

فقهی / تحقیقی در باره عبادت در مناطق قطبی

توضیحات دسته: مقالات مجموعه ها منتشر شده در 15 مهر 1388 بازدید: 1049

تحقیقی در باره عبادت در مناطق قطبی

(منتشر شده در تعدادی از وبسایت های اسلامی)

چکیده :

یکی از مسایل فقهی که در این روزگار به تدریج دامن گیر مسلمانان شده و نیاز به طرح و بررسی داشته و پیدا کردن راه حل مناسبی را می طلبد ، بحث " عبادت در مناطق قطبی " است . زیرا بسیاری از عبادات ما مسلمانان بر پایه زمان استوار و بر اساس تغییر شب و روز ، واجب و یا حرام قرار می گیرند. در حالی که در مناطق قطبی زمان دستخوش تغییر و تحول شده و وقت ها در آن جا نسبت به کشورهای معمور و مسکون دنیا متفاوت می باشد. بدین جهت لازم است نظرات و دیدگاه فقهای عظام مورد بررسی قرار گرفته و راه حل مناسبی برای این مسئله پیدا شود .



سیاره زمین گُروی است و به مانند سایر سیارات در حال چرخیدن می باشد. زمین ، دو نوع چرخش دارد : یکی به دور خود می چرخد که به آن حرکت وضعی می گویند که موجب پدید آمدن روز و شب می گردد. دیگری به دور خورشید می چرخد که به آن حرکت انتقالی می گویند که موجب پدید آمدن ماه ، فصل و سال می شود.



ولیکن گُرویت زمین ، کامل نیست ، بلکه بین قسمت های آن تفاوت های چشمگیری است . مثلاً قُطر زمین در خط فرضی " استوا " (که در بخش میانی زمین به طور شرقی - غربی قرار داشته و کمر بند زمین محسوب می گردد.) به مقدار $12 / 756$ کیلومتر است ولیکن از این مناطق هرچه به طرف شمال و یا به طرف جنوب برویم مقداری از قُطر زمین کاسته می شود ، به طوری که در مناطق قطبی به $12 / 714$ کیلومتر می رسد و همین امر باعث می گردد که تولید روز و شب در مناطق قطبی با سایر مناطق متفاوت باشد. علاوه بر این ، چرخش زمین به دور خورشید (حرکت انتقالی) به گونه ای است که به سمت خورشید مایل می گردد و بدین جهت بخشی از زمین در نیمی از سال اصلاً خورشید را نمی بینند و یا اگر ببینند بسیار کوتاه مدت می بینند و نیمی دیگر همیشه خورشید را دیده و اگر در حالت شب قرار گیرند بسیار کوتاه مدت می باشد.

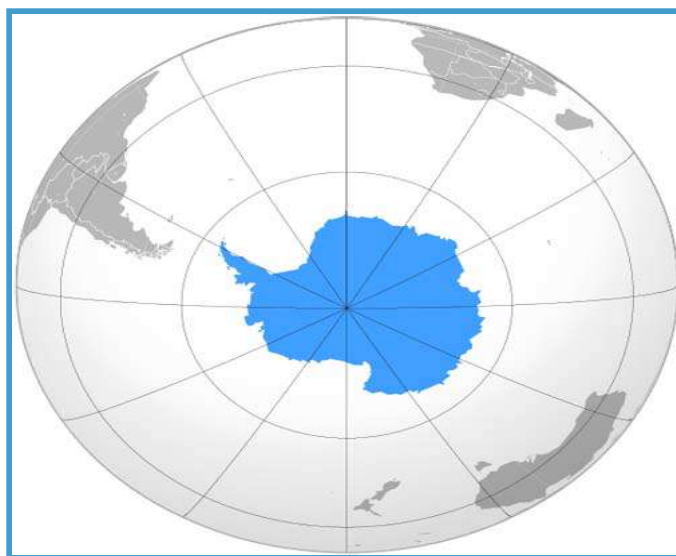
مناطق قطبی :

به خاطر همین خصوصیتی که در سطور بالا عرض کردیم ، در شمالی ترین و جنوبی ترین ناحیه کره زمین دو بخش وسیعی پدید آمده که به قطب شمال و قطب جنوب معروف و مشهور گردیده اند. این دو منطقه در تمام سال پوشیده از برف و یخ بوده و در بسیاری از ماه های سال در تاریکی مطلق و یا در نیمه تاریکی به سر می برند و در بقیه ماه های سال در روشنایی کامل و یا در نیمه روشنایی قرار دارند.

قطب شمال در حدود پنج میلیون و سیصد و ده هزار کیلومتر مربع وسعت دارد که در شمال کشورهای : روسیه ، فنلاند ، نروژ ، ایسلند ، گروئنلند (دانمارک) ، کانادا و آلاسکا (آمریکا) قرار دارد.



اما مساحت قطب جنوب در حدود 14 میلیون کیلومتر مربع (بیش از هشت برابر ایران) است که توسط اقیانوس منجمد جنوبی محصور شده و در حقیقت بخش جنوبی اقیانوس های اطلس ، آرام و هند بوده و با فاصله بیشتری در جنوب کشورهای آرژانتین ، آفریقای جنوبی ، استرالیا و نیوزلند قرار دارد.



در قطب شمال و قطب جنوب به خاطر برودت زیاد هوا و تاریکی نیمی از ایام سال ، به طور معمول کسی در آن ها زندگی نمی کند ولیکن در سال های اخیر تعداد قابل توجهی از کاشفان و دانشمندان زمین شناسی جهت فعالیت های اکتشافی و پژوهشی به همراه گروه هایی از دریا نوردان و نیروهای امدادی و خدماتی به طور غیر دائمی در آن اقامت می کنند و سپس به اوطان اصلی خویش بر می گردند.

دخالت زمان در عبادات :

بسیاری از عبادات انسان ها (از هر دین و مذهبی) مقید به وقت و یا زمان خاصی می باشند. (مانند عبادت مسیحیان در روز شنبه در کلیساها).

اکثر اعمالی عبادی مسلمانان نیز مقید به زمان یا وقت خاص می باشند. مانند نماز و روزه که متوقف به روز و شب و اوقات مخصوص به خود می باشند و عباداتی چون حج ، ماه رمضان ، لیالی قدر ، عیدها و موضوعاتی چون بلوغ کودکان ، وقت تکلیف ، خمس ، زکات ، عده طلاق ، عده مرگ شوهر ، قصد اقامت ده روزه مسافر ، باقی بودن مسافر به مدت سی روز به طور مردد ، مدت حیض و نفاس ، خیار حیوان و غیره (موارد زیادی که در تحریر الوسیله امام خمینی ، ج 2 ، ص 567 بیان شد) که متوقف به زمان (مانند ماه و سال) می باشند.

بی تردید هر دو بخش مزبور ، جای بحث و بررسی فراوانی دارد که می طلبد نویسندگان و محققان ما در این زمینه بیشتر تحقیق و کنکاش کرده و دیدگاه فقهی عالمان و فقیهان بزرگوار را مورد نقد و بررسی قرار دهند تا به نظر مصاب و مورد اتفاق آنان دست یابند. ولیکن مشکل بخش دوم (یعنی عباداتی که متوقف به ماه و سال می باشند) بیشتر و محسوس تر است. زیرا وقتی یک روز قطبی به مقدار شش ماه و یک شب قطبی نیز به مقدار شش ماه ادامه یابد ، لازم می یاید که یک شب و روز قطبی به اندازه یک سال مناطق معمور باشد و در نتیجه یک سال قطبی به اندازه 365 سال مناطق معمول باشد !

با این حساب در هر 365 سال یک بار ماه رمضان واقع می شود که مدت آن به اندازه 30 سال مناطق معمور می باشد. چنین عمری برای انسان ها وجود خارجی ندارد و بر فرض اگر کسی چنین عمری داشته باشد و بخواهد روزه بگیرد ، باید یک روز قطبی را که به اندازه شش ماه مناطق غیر قطبی است روزه داشته باشد که امر محالی است.



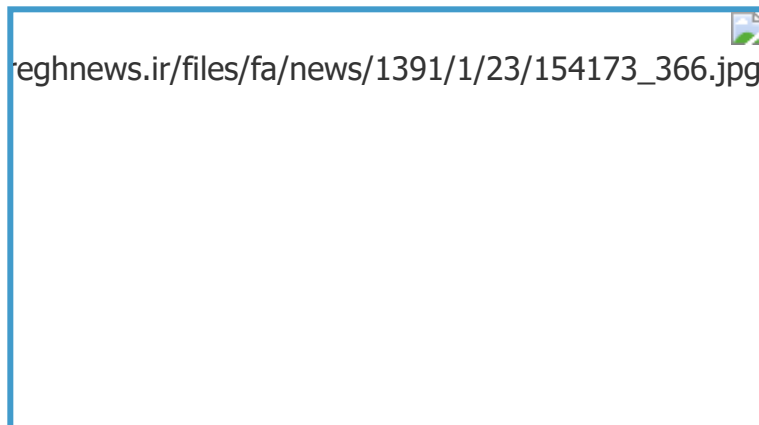
همین طور است مسئله بلوغ دختران و پسران و زمان تکالیفشان ، که به حساب قطبی هیچ گاه به سن تکلیف نمی رسند و همین طور بحث خمس و زکات و موضوعات دیگر.

ضرورت بحث :

در باره لزوم بحث و بررسی در باره این موضوع نوظهور ، دیدگاه واحدی بین علمای ما نیست. زیرا برخی از آنان طرح چنین موضوعاتی را غیر ضروری و حتی غیر لازم دانسته و آن را موجب تضييع عمر و از دست دادن فرصت ها برای بحث و بررسی موضوعات ضروری دیگر می دانند. ولیکن برخی دیگر آن را از بحث های روز و از مسائل مستحدثه دانسته و بررسی آن را لازم و حتی ضروری می دانند. زیرا وقتی انسان ها برای رفتن به گُره ماه و گُرات دیگر آسمانی نام نویسی کرده و در نوبت سفر های فضایی قرار می گیرند ، از سفر به مناطق قطبی که در روی زمین بوده و رفت و برگشت به آن بسیار کم هزینه تر است ، صرف نظر نمی کنند.

چه بسا در آینده ای نه چندان دور ، رفتن به مناطق قطبی جنبه تفریحی پیدا کرده و ثروتمندان و متمکنان عالم در ادامه زندگی خود بیلاق و یشلاق کنند و مدتی از سال را در مناطق قطبی به سر ببرند.

بدین جهت بحث و بررسی در باره احکام عبادی ساکنان مناطق قطبی نه تنها اتلاف عمر و تضييع فرصت ها نیست ، بلکه از بحث های لازم و حتی ضروری زمان ما است.



شایسته است در این جا به مواردی در باره حضور مسلمانان در این مناطق سرد اشاره ای داشته باشیم :

1) در شهرکی به نام " اینوویک " واقع در بخش شمالی کشور کانادا تعدادی مسلمانان زندگی می کنند که اخیراً اقدام به اختصاص یک قطعه زمین جهت ساخت یک مسجد نمودند. سعید دهار نماینده انجمن اسلامی این شهرک اعلام کرد که این مسجد گنجایش یکصد نفر را خواهد داشت. طبق آمار سال 2001 میلادی تعداد ساکنان این شهرک 500 / 3 نفر بود که 45 نفر از آنان را مسلمانان تشکیل می دادند ولیکن

بی تردید تعداد جمعیت فعلی آنان بسیار بیشتر از آن سال می باشد. (برگرفته از سایت خبری تابناک 17 / 1
/ 1387) لازم به یادآوری است که این شهرک در مناطق قطبی قرار دارد.



2) در ماه مبارک رمضان سال 1406 هجری قمری جمعی از مؤمنان مقیم لندن استفتایی از محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) نموده و پرسش های خود را با طرح پاسخ های چندی مطرح کردند. از جمله در باره عبادت در مناطق قطبی پرسیدند : آیا اصولا فجر و غروب در عبادت (مانند نماز و روزه) موضوعیت دارند یا طریقت ؟

3) چند سال قبل مسلمان هایی که در بخش شمالی کشور فنلاند زندگی می کردند نامه ای به الازهر مصر ارسال و احکام نماز و روزه خویش را از فقهای بزرگ اهل سنت استفتا نمودند و الازهر را در بحث جدیدی وارد کردند.

دشمنان اسلام و بدخواهان مسلمین همین موضوع را بهانه ای برای حمله به اسلام و قرآن قرار داده و یکی از آنان با نوشتن مقاله ای با عنوان " آفتاب نیمه شب ، اسلام را به خطر انداخته است " جهانی بودن اسلام را مورد نقد و ایراد قرار دادند.

در آن سال ، ماه اوت (مقارن مرداد ماه) ماه مبارک رمضان بود و در آن ایام ، مناطق قطبی از روشنایی خورشید بیشترین استفاده را می برد که خورشید یا اصلا غروب نمی کرد و یا اگر غروب هم می کرد ، غروبش بسیار کوتاه مدت و کم رنگ بود و بلافاصله شروع به باز شدن و روشنایی دادن می نمود و همین مسئله مسلمانان را از جهت روزه داری با مشکل روبرو کرده بود. (برگرفته از سایت : www.bartar.netfirm.com)

لازم به یادآوری است کلیه نقاطی که بالاتر از مدار 5/66 درجه قرار داشته باشند ، با چنین مشکلی مواجه خواهند بود. بخش شمالی کشور فنلاند در مدار 70 درجه قرار دارد که یک روز آن به مدت دوماه (از اوائل

خرداد تا اواخر مرداد ماه) و یک شب آن نیز به مدت دو ماه (از اوائل آذر تا اواخر دی ماه) ادامه خواهد داشت و اگر مسلمانانی در این مناطق زندگی کنند با چنین معضلی دست به گریبان خواهند بود.

بنا بر این بحث و بررسی این موضوع بسیار اهمیت داشته و مشکل مومنان ساکن در چنین مناطقی را حل و فصل خواهد نمود و بدین جهت ضرورت آن بر کسی پوشیده نمی باشد .

حکم فقهی شرعی :

برخی از فقهای عظام حکم خاصی برای چنین پدیده ای فرض نکرده و بدین جهت اصل موضوع را از ممتنعات و یا رفتن در چنین مکانی را از محرمات برشمردند. به عنوان مثال ، مرحوم محقق نائینی (ره) آن را از ممتنعات عادی دانسته و فرموده است : **الظاهر خروج هذا الفرض و اشباهه من الممتنعات العادية عن موضوعات الاحکام** . (العروة الوثقی ، ج 3 ، ص 634)

هم چنین آیت الله خوئی (ره) رفتن به چنین مناطقی را مجاز ندانسته و خروج از آن را واجب می داند و در این باره فرمود : **و لا یبعد وجوب الهجرة الى بلاد یتمکن فیها من الصلاة و الصیام** . (العروة الوثقی ، ج 2 ، ص 56) البته وی بعدا حکم فقهی اش را بیان نموده که در بخش فتوهای فقها بیان خواهیم کرد.

اما بسیاری از فقهای عظام چنین نظری ندارند و معتقدند که برای هر پدیده ای در شرع مقدس اسلام حکم خاصی است و اصولا هیچ امری از این پنج حالت خالی نیست : **واجب ، مستحب ، حرام ، مکروه و مباح** .

بدین جهت از نظر فقه اسلامی هیچ موضوع و هیچ حادثه ای بدون حکم نیست و الحمد لله رب العالمین قوانین اسلامی آن چنان جامع و فراگیر است که هیچ موضوعی را فروگذار نکرده است.

در این باره چند دسته از اخبار و احادیث وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم :

(1) اخباری که دلالت دارند بر این که برای همه چیز در کتاب یا سنت حکمی است . مانند روایتی که از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که آن حضرت فرمود : **ما من شیئی الا و فیه کتاب او سنة** . (الکافی ، ج 1 ، ص 59)

(2) اخباری که دلالت دارند بر این که تمام چیزها حکمی دارند حتی ارش خدش . مانند روایتی که سلیم بن ابی حسان عجلی از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است که در آن چنین آمده است : **سمعت ابا عبد الله**

(ع) يقول : ما خلق الله حلالا ولاحراما الا وله حدّ كحدود داری هذا ، فما كان فى الطريق فهو من الطريق ، و ما كان فى الدار فهو من الدار ، حتى ارش الخدش فما سواه ، والجلدة و نصف الجلدة . (الكافى ، ج 1 ، ص 59 و ج 7 ، ص 175 ؛ المحاسن ، ج 1 ، ص 273 ؛ النوادر ، ص 161)

3) اخبارى که در باره بنای اسلام نقل شده است . مانند روایتی که از رسول خدا (ص) نقل شده که فرموده است : بنی الاسلام على خمس : شهادة ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله (ص) ، و اقامة الصلاة ، و اتيان الزكاة ، و صيام شهر رمضان ، و حج البيت لمن استطاع اليه سبيلا . (المعتبر ، ج 2 ، ص 11 ؛ منتهى المطلب ، ج 2 ، ص 642 ؛ صحيح مسلم ، ج 1 ، باب 5 ، ص 45).

هم چنین در روایتی از امام محمد باقر (ع) آمده است : بنی الاسلام على خمسة اشياء : على الصلوة ، والزكوة ، والصوم ، والحج ، والولاية . (منتهى المطلب ، ج 2 ، ص 557 ؛ مجمع الفائدة ، ج 5 ، ص 1 ؛ جواهر الكلام ، ج 17 ، ص 223)

4) حدیثی که از طریق اهل سنت در باره خروج دجال روایت شد. این حدیث که در بسیاری از منابع معتبر اهل سنت از رسول خدا (ص) روایت شده است مقداری طولانی می باشد که فرازی از آن را به اندازه نیاز بحث این جا نقل می کنیم . نواس بن سمرعان گفت : هنگامی که رسول خدا (ص) دجال و خروج آن را بیان فرمود ، ما از وی پرسیدیم : یا رسول الله (ص) ، ومالبته ؛ ای پیامبر خدا (ص) مقدار حضور وی چه مقدار است ؟ آن حضرت فرمود : اربعون يوما ، يوم كسنة و يوم كشهر و يوم كجمعة و سائر ايامه كايامكم . قلنا : يا رسول الله (ص) فذلك اليوم الذى كسنة اتكفينا فيه صلاة يوم ؟ قال (ص) : لا ، اقدروا له قدره ؛ چهل روز که یک روز آن به اندازه یک سال شما است ، یک روز آن به اندازه یک ماه شما است ، یک روز آن به مانند روز جمعه و بقیه روزهای آن به مانند روزهای شما است.

ما پرسیدیم : ای رسول خدا (ص) ، آن روزی که به اندازه یک سال ما است آیا خواندن یک روز نماز (یعنی هفده رکعت نماز یومیه) برای ما کفایت می کند ؟ پیامبر (ص) فرمود : نه ، بلکه به مقدار آن روز (که به اندازه یک سال است) مقدر کنید (یعنی حساب کنید و نماز یک سال را انجام دهید).

(صحيح مسلم ، ج 8 ، ص 197 ؛ مسند احمد بن حنبل ، ج 4 ، ص 181 ؛ المجموع ، ج 3 ، ص 47 ؛ الاقناع ، ج 1 ، ص 102).

این حدیث شریف دلالت بر استمرار احکام و تعطیل ناپذیری آن دارد. بنا بر این ، استمرار تاریکی شب و یا استمرار روشنایی آفتاب در روزها و حتی هفته ها و ماه های سال محملی برای تعطیلی عبادات و متوقف ماندن احکام شرعی نمی باشد.

دیدگاه فقهای عظام در این باره متفاوت است و به طور کلی می توان آن ها را به چهار دسته تقسیم کرد :

(1) دیدگاهی که قائل به سقوط تکلیف است . یعنی اگر کسی در چنین مکانی قرار گیرد ، تکلیف از وی ساقط است .

به عبارت دیگر ، بخاطر به هم خوردن شب و روز معمولی و ایجاد شب و روز متفاوت با مناطق مسکونی در مناطق قطبی ، تمامی عبادات مقید به زمان مانند نماز ، روزه و سایر احکامی که منوط به شب و روز و یا وقت و زمان است ، بر شخص مسلمان واجب نمی باشد.

(2) دیدگاهی که بین نماز و روزه تفاوت قائل شده و معتقد است که وجوب نماز به حال خویش باقی است ولی وجوب روزه ساقط است. این گفتار بر این پایه استوار است که وقتی هوا به مدت شش ماه تاریک است ، دیگر روز و شب معنا ندارد. بنا براین ، نمی تواند روزی را پیدا کند که در آن روز بخواهد روزه بگیرد و هر وقتی از این مدت را بخواهد روزه بگیرد ، در شب واقع می گردد و روز بر آن صدق نمی کند و روزه در شب باطل است.

اما خواندن نماز را می توان در ساعات مخصوص تنظیم و در وقت خاص خود انجام داد. به این گونه که هر بیست و چهار ساعت را یک شبانه روز حساب آورد و اوقات نماز را در آن تقسیم نماید و هر نماز را در آن وقت تخصیص داده شده انجام دهد. یا این که در طول یک سال معمولی که یک شب و روز قطبی به حساب می آید ، یک نماز یومیه (یعنی 17 رکعت) بجا آورد.

(3) دیدگاهی که قائل به تفصیل است ، اما نه بین نماز و روزه ، بلکه بین مواردی که مقدار و اندازه خاص در آن معتبر است (مانند : خیار حیوان ، عده طلاق ، عده وفات شوهر ، ایام حیض و نفاس ، سن تکلیف و رسیدن به بلوغ شرعی و غیره) و مواردی که مقدار و اندازه در آن معتبر نیست بلکه بیاض و سواد هوا در آن اعتبار دارد (مانند نماز و روزه) . در اولی قائل به ثبوت تکلیف و در دومی قائل به سقوط تکلیف می باشد.

4) دیدگاهی که قائل به ثبوت تکلیف و استمرار آن در تمامی احکام شرعی می باشد.



بررسی اقوال :

دیدگاه اول که قائل به سقوط تکالیف تمام احکامی است که منوط به شب و روزمی باشند ، گرچه سابقا قائلین معتبری داشت ولیکن در زمان ما بعید است که قائلی داشته باشد. زیرا همان طوری که در فرازهای گذشته عرض کردیم هیچ گاه احکام الهی تعطیل بر دار نیست و برای همه انسان ها ، همه عصرها و همه مکان ها دستور و حکمی وجود دارد. منتهی باید تلاش کرد تا آن ها را به دست آورد. اصولا چنین دیدگاهی با اطلاقات ادله شرعیه (از کتاب و سنت) که دلالت دارند بر این که نماز و روزه بر عموم مردم واجب می باشد ، منافات دارد. در قرآن کریم نیز آمده است : **ان الصلاة کانت علی المومنین کتابا موقوتا.** (سوره نساء ، آیه 103)

اما دیدگاه دوم نیز مورد نقد و ایراد است . زیرا تفصیل و فرق گذاشتن بین نماز و روزه معنا ندارد. چون همان گونه که روزه مشروط و متوقف به تغییر روز و شب است ، نماز نیز این چنین است که یک نماز برای طلوع فجر ، یک نماز در هنگام زوال سایه در وسط روز ، یک نماز در عصر ، یک نماز در هنگام غروب خورشید و آغاز شب و نماز دیگر هم در وقت عشا واجب می گردد. در قرآن کریم نیز آمده است : **اقم الصلاة لدلوك الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر.** (سوره اسراء ، آیه 77)

و در جای دیگر نیز فرمود : **و اقم الصلاة طرفی النهار و زلفا من اللیل.** (سوره هود ، آیه 114) . در احادیث متعدد نیز به این مطلب اشاره شد. از جمله در روایتی از امام محمد باقر (ع) آمده است : **وقت صلاة الغداة ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس .** (الاستبصار ، ج 1 ، ص 275 ؛ تهذیب الاحکام ، ج 2 ، ص 36)

پس اگر گفته شود که روزه مقید به طلوع فجر و غروب آفتاب است ، باید گفته شود که نماز نیز همین حالت را دارد . بنا بر این ، تفاوت قائل شدن بین آن دو صحیح نمی باشد. بدین جهت اگر برای ثبوت تکلیف در

نماز محملی پیدا شود مطمئنا برای ثبوت تکلیف در روزه نیز محملی پیدا خواهد شد و دلیلی برای سقوط تکلیف آن نمی توان یافت.

اما دیدگاه سوم گرچه بر گرفته از دقت نظر و تحلیل مفهومی عمیقی است و در آغاز به نظر می آید که کار گشا و حلال مشکل باشد ، ولی با این اصل که " احکام الهی همیشگی و تعطیل ناپذیر است " سازگار نیست. وانگهی در تعلیل برخی از احکام ، سازندگی روح و روان آدمی و تقرب انسان به خالق بی همتا مورد نظر است . همان گونه که در باره نماز آمده است : **اِنَّنِیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِیْ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِیْ**. (سوره طه ، آیه 14) و یا در باره روزه می خوانیم : **کَتَبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَامَ کَمَا کَتَبَ عَلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ** . (سوره بقره ، آیه 183). این ها نشان دهنده این مطلبند که انجام عبادات برای عبودیت و تقرب به خدای بزرگ است و چنین مقصودی نمی تواند با تغییر جوّ زمین ، تغییر پیدا کند و اصل عبادت و بندگی به فراموشی سپرده شود.

اما دیدگاه چهارم که رایج ترین دیدگاه فقهای معاصر است ، بر این پایه استوار می باشد که هیچ گاه احکام الهی تعطیل بردار نیست و تکالیف دینی با تغییر جوّ زمین و یا عروض برخی از مشکلات و تنگناها مختل نمی گردد. همان گونه که قرآن کریم بدین اصل اشاره شد : **وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِیْلًا**. (سوره فتح ، آیه 23) . البته گاهی اوقات بخاطر عروض برخی از پدیده ها از حجم برخی از عبادات کاسته می شود (مانند شکسته شدن نماز مسافر و یا نماز خوف) ، یا موقتا وجوبش برداشته می شود ولی بعدا باید قضایش انجام گیرد (مانند روزه مسافر و روزه حیض و نفسا) و یا وجوبش برای برخی از افراد خاص برداشته می شود (مانند روزه بر کهنسالان ناتوان) ولی این طور نیست که وجوب تمامی عبادات بر تمامی مردم در یک منطقه از زمین برداشته شود.

اما این عده از فقها در چگونگی انجام نماز و روزه و سایر احکام عبادی و یا اجتماعی نظر واحدی ندارند و هر از چند نفر از آنان راه حل ویژه ای را در پیش رو نهادند که به آن ها زیر عنوان " اقوال مثبتین تکلیف " اشاره می کنیم .

دیدگاه های مثبتین تکلیف :

1) بر وفق یکی از بلاد متعارفه متوسطه عمل شود .این دیدگاه مرحوم سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (صاحب عروة الوثقی) و بسیاری از آیات عظام است.

وی در عروة الوثقی فرمود : **اذا فرض کون المکلف فی المكان الذی نهاره ستة اشهر و ليله ستة اشهر او نهاره ثلاثة و ليله ستة او نحو ذلك فلا یبعد کون المدار فی صومه و صلاته علی البلدان المتعارفة المتوسطة مخیرا بین افراد المتوسط**. (عروة الوثقی ، ج 2 ،

2) بر وفق شهری که از آن هجرت کرده عمل شود. مثلا اگر کسی از کشور ایران به قطب سفر نماید ، بر اساس افق ایران عمل کند و نماز و روزه اش را طبق اوقات ایرانیان انجام دهد.

نا گفته نماند که این دیدگاه بر اساس اصل استصحاب است که در موارد مشکوک عطف به ما سیق می نماید.

3) بر اساس تنظیم و تقسیم اوقات عمل شود. یعنی گذر زمان را به 12 ساعت ، 12 ساعت تقسیم کند و جمع آن دو را یک روز و شب به حساب آورد و بر اساس آن روزه بگیرد و نمازهای یومیه اش را بخواند. آیت الله نوری همدانی (حفظه الله تعالی) از طرفداران این دیدگاه است . وی در این باره گفت : در مناطقی که شب و روز 24 ساعته ندارند ، مانند قطب شمال و جنوب که شش ماه در آن جا روز و شش ماه شب است و مناطق نزدیک به قطبین که مجموع شب و روزشان 24 ساعت نیست ، لازم است اوقات خود را به 12 ساعت و 12 ساعت تقسیم کنند و 12 ساعت را برای خودشان روز و 12 ساعت را شب قرار بدهند و در 12 ساعتی که آن را روز قرار داده اند اعمال روزانه ای را که شرح داده شد ، انجام بدهند و در 12 ساعتی را که شب قرار داده اند ، اعمال شب را به انجام برسانند و اگر این تقسیم را به طور اجتماعی انجام بدهند تا همگان برنامه ای منظم و منسجم داشته باشند ، بهتر است . (توضیح المسائل آیت الله حسین نوری همدانی ، ص 603)

4) از اقرب الاماکن که شب و روزش حالت قطبی ندارد ، تبعیت شود. مثلا کسی که در قطب شمال است از نزدیکترین شهرهای شمالی روسیه یا فنلاند و یا کانادا که زیر خط 5 / 66 درجه قرار دارند ، تبعیت کند و بر اساس افق آن منطقه نماز و روزه اش را بجا آورد. مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) همین دیدگاه را تقویت کرده است. وی در حاشیه عروة الوثقی فرمود : **و یحتمل اجراء حکم اقرب الاماکن علیه مما کان له یوم و لیلة و لم یکن احدهما قصیرا بحیث ینصرف عنه الاحکام**. (العروة الوثقی ، ج 2 ، ص 57)

هم چنین در پاسخ استفتائی که از وی به عمل آمده بود ، همین معنا را تقویت کرد. از وی پرسیده شده بود : کسانی که در قطب شمال یا جنوب (که شش ماه روز است و شش ماه شب) زندگی می کنند ، تکلیف آنان راجع به نماز و روزه چیست ؟

وی در پاسخ مرقوم نمود : یکی از بلاد متوسطه قریبه را ملاک عمل قرار دهند. (مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی ، ج 1 ، ص 126)

بررسی دیدگاه های مثبتین :

دیدگاه اول که بر مبنای تبعیت از بلاد متعارفه استوار است ، منافات دارد با حدیثی که از امام صادق (ع) وارد شده است . آن حضرت در این حدیث فرمود : **فأتما علیک مشرقک و مغربک**. (من لایحضره الفقیه ، ج 1 ، ص 221 ؛ الاستبصار ، ج 1 ، ص 266 ؛ تهذیب الاحکام ، ج 2 ، ص 264) بر اساس این حدیث شریف هر مکانی مشرق و مغرب خاص خویش و در واقع افق ویژه خود را دارد. نمی توان افق مکانی را بدون هیچ دلیل و برهانی با افق مکان دیگر ارتباط داد.

بنا بر این ، اعتباری به مشرق و مغرب و یا طلوع فجر و غروب آفتاب در منطقه ای با منطقه دیگر که با هم افق مشترک ندارند ، نمی باشد.

اما دیدگاه دوم که بر مبنای تبعیت از افق شهر مبدأ هجرت است ، نیز با آن حدیث شریف منافات دارد. زیرا افق کشور مبدأ غیر از افق قطب است. علاوه بر این که با هجرت از کشور خویش یقین پیدا می کند که از محدوده افق آن منطقه بیرون آمده و دیگر جای شکی باقی نمی ماند تا بتواند استصحاب کرده و عطف به ماسبق نماید.

اما دیدگاه سوم ، گرچه در موضوعات فردی و اجتماعی مشروط به زمان (مانند : بلوغ ، عده طلاق ، عده وفات شوهر ، خیار حیوان ، ایام حیض و نفاس و امثال ذلک) بدون تعارض با ادله ای می تواند کارگشا بوده و معضل اهالی مناطق قطبی را حل و فصل کند ، ولیکن در عباداتی که منوط به طلوع و غروب آفتاب و حلول شب و روز می باشند ، کاربردی نخواهد داشت. زیرا همان گونه که در صفحات پیشین عرض کردیم ادله ای وجود دارد که انجام نماز و روزه را مقید به وقت خاص از شبانه روز کرده است . مانند آیه شریفه : **واقم الصلاة طرفی النهار و زلفا من اللیل** . (سوره هود ، آیه 114) و آیه شریفه : **اقم الصلاة لدلوك الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر** . (سوره اسراء ، آیه 77) و حدیث امام محمد باقر (ع) که فرمود : **وقت صلاة الغداة ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس** . (الاستبصار ، ج 1 ، ص 275 ؛ تهذیب الاحکام ، ج 2 ، ص 36) و چنین وقت هایی در کل سال بین شب و روز جا بجا می شوند. بدین جهت نمی توان آن ها به صورت تصنعی تنظیم و در بین ساعات تقسیم بندی کرد.

اما دیدگاه چهارم که بر مبنای اقرب الاماکن می باشد ، با اشکالات فوق کمتر مواجه می باشد. زیرا اولاً افق مناطق قطبی بنا بر این مبنا ، چندان تفاوتی با افق اقرب الاماکن ندارد و فرض هم بر این است که نزدیکترین مکان به قطب که زیر 5 / 66 درجه قرار دارد و حلول شب و روز در آن جا محسوس است ، مبنای افق قطب قرار گیرد و با این حساب ، حداکثر فاصله این اماکن با نقطه صفر قطب که در مدار 90 درجه قرار دارد ، 25 درجه خواهد بود که در موارد ضروری قابل اغماض می باشد.

ثانیا نمونه ها و موارد زیادی در فقه اسلامی داریم که در صورت ناچاری متوسل به قاعده " الاقرب فالاقرب " شده اند . مانند ارث طبقات بعدی در صورت نبودن طبقات قبلی . یا اخذ دیه از اولیای قاتلی که فرار کرده و یا قادر به پرداخت آن نباشد. یا طواف بیت الله الحرام از پشت مقام ابراهیم (ع) در صورتی که از بین مقام و بیت امکان پذیر نباشد و موارد فراوان دیگری که مجال بیان آن ها نیست.

در پایان مناسب دیدم دیدگاه فقهی برخی از مراجع عظام را که دیدگاه بسیاری از مراجع بعدی برگرفته از میانی آن بزرگواران است ، به صورت تفصیلی نقل کنم تا بازماندگان از مقلدین آن ها و یا محققان و مجتهدانی که در حال استنباط احکام شرعی هستند ، از دیدگاه آن بزرگواران بهره مند گردند.

الف - دیدگاه فقهی امام خمینی (ره) :

حضرت امام خمینی (ره) برای این موضوع ، بحث مستقلی در کتاب فقهی " تحریر الوسيلة " نگشود ، ولیکن در حاشیه بر عروه و هم چنین در تحریر الوسيلة به مناسبتی به این مطلب اشاره و نظرش را اعلام فرمود.

معظم له در حاشیه بر عروه الوثقی سید محمد کاظم یزدی ، قول به تفصیل (سقوط تکلیف روزه و ثبوت تکلیف نماز) را اختیار و در این باره فرمود: هذا (قول التفصیل) اقرب الاحتمالات و لا یبعد ان یکون وقت الظهیر هو انتصاف النهار فی ذاک المحل و هو عند غایة ارتفاع الشمس فی ارض التسعین کما ان انتصاف اللیل عند غایة انخفاضها فیها . (العروة الوثقی ، ج 2 ، ص 57)

هم چنین در باره موضوعات فردی و اجتماعی که منوط به زمان می باشند ، قول به تبعیت از بلاد متعارفه را انتخاب و در فرازی از مسئله 14 این بخش فرمود : فلا بد اما من القول بسقوط حکم فیهما و فی مثلهما او التقدير حسب الليالی المتعارفة ، والاقرب الثانی الی غیر ذلک مما هو من هذا القبیل ، فان المیزان فیها مضی مقدار الايام و الشهور و السنین بحسب آفاقنا ، فلو طلق زوجته فی احد القطبین تخرج من العدة فی ربع یومه و لیلته ، و اکثر الحمل بناءً علی کونه سنة یوم و ليلة ، و لایجوز ترک وطی الزوجة اکثر من ثلث یوم و ليلة ، نعم لو کان اکثر الحمل فی القطب بحسب الطبع اکثر من یوم و ليلة یتبع و لایقاس بأفاقنا. (تحریر الوسيلة ، ج 2 ، ص 567)

در مسئله دیگر فرمود : كما يجب علی اهل القطب تطبیق مقدار الايام و الأشهر و السنین علی ایامهم فی المذكورات ، لو فرض ... (تحریر الوسيلة ، ج 2 ، ص 568)

ولیکن معظم له در باب نماز و روزه که وقت های خاصی دارند ، چنین نظری نداده اند . بلکه نظرشان به سقوط تکلیف است . همان گونه که در مسئله 16 مرقوم نمودند : ما ذکرناه انما یجری فی کل مورد یعتبر فیہ المقدار لا بیاض الیوم ، و لهذا تلفق الايام فیها . و اما مثل الصوم المعتبر فیہ الامساک من طلوع الفجر الی الغروب ، و لا یأتی فیہ التلیق فلا اعتبار بالمقدار . و کذا لا یجری ما ذکر فی الصلاة ، فان اوقاتها مضبوطة معتبرة ، فلا تصح صلاة الظهیر فی اللیل و ان انطبق علی زوال آفاقنا ، و لایصح الصوم فی بعض الیوم او اللیل و ان کان بمقدار یومنا . (تحریر الوسيلة ، ج 2 ، ص 568)

بنا براین می توان نتیجه گرفت که امام خمینی (ره) گرچه در حاشیه بر عروه الوثقی در ثبوت یا سقوط حکم ، بین نماز و روزه تفصیل قائل شد ، ولیکن در تحریر الوسيلة بین نماز و روزه از یک سو و سایر امور فردی و اجتماعی مقید به زمان از سوی دیگر ، تفصیل قائل شدند .

به همین جهت در مسئله 17 فرمود : لو فرض صیرورة حركة الارض بطیئة و صار الیوم ضعف یومنا لابد فی صحة الصوم من امساک یوم تام مع الامکان ، و مع عدمه یسقط الوجوب . و لایجب علیه اکثر من الصلوات الخمس فی یوم و ليلة . و اما ما یعتبر فیہ المقادیر لا بیاض النهار و سواد اللیل فلا بد من مضی مقدار ما یعتبر فی افق عصرنا ، فاقبل الحیض فی ذلک العصر مقدار ثلاثة ایام افقنا

ب - دیدگاه فقهی آیت الله خویی :

همان طوری که در صفحات پیشین عرض نمودیم آیت الله سید ابوالقاسم خویی (ره) رفتن به مناطق قطبی و یا هر مکانی که باعث تضییع و تفویض احکام شرعی گردد را جایز نمی داند و در این باره فرمود: « إذا فرض كون المكلف في مكان نهاره ستة أشهر وليله ستة أشهر مثلا وتمكن من الهجرة إلى بلد يتمكن فيه من الصلاة والصيام وجبت عليه . وإلا فالأحوط هو الاتيان بالصلوات الخمس في كل أربع وعشرين ساعة . (منهاج الصالحين ، ج 1 ص 432)

هم چنین در تقریر دروسش آمده است : « ومن البين ان المكث والبقاء في أحد القطبين الخاليين عن ليل ونهار متعارف من أحد موجبات التضییع والتفویض إذ لا تتيسر معه الصلاة والصيام على النهج المقرر شرعا .

وی هجرت از آن اماکن را واجب شرعی می داند و می فرماید : « ان مقتضى الصناعة حرمة البقاء في تلك المواطن ووجوب الهجرة إلى المناطق المتعارفة مقدمة للاتيان بتلك الواجبات وعدم الاخلال بها .

وی سپس اقوال موجود را بررسی و هر یک از آن ها را مورد نقد قرار داد. وی در ردّ قول به سقوط تکالیف گفت : « وعلى الجملة بعد ما علمنا من الخارج ان الصلاة والصيام من أركان الدين ولا يسوغ تركهما في أي وقت وحين ...

سپس قول به تبعیت را ردّ کرد و گفت : « والتبعية لافق آخر ليس عليها برهان مبین .

آن گاه تنزل نمود و در باره آنانی که ناچار به اقامت در مناطق قطبی هستند ، قائل به سقوط تکلیف اداً و وجوب اتیان تکلیف قضائاً گردید و گفت : « إذا لم يكن بد لهؤلاء الأشخاص من الامتناع عن السفر إلى هذه المناطق والهجرة عنها لو كانوا فيها ، إذ لا يجوز لهم تفويت الفريضة اختياراً . ولو فرض الاضطرار إلى السكنى في مثل هذه البلاد فالظاهر سقوط التكليف بالاداء والانتقال إلى القضاء .

هم چنین اکتفا به اتیان یک نماز کامل (یومیه) در کل سال (که یک شب و روز قطبی می باشد) را رد نمود و فرمود : « وأما احتمال الاكتفاء بصلاة يوم واحد وليلة واحدة في مجموع السنة فهو ساقط جدا ، لخروج مثل هذا اليوم عن موضوع الأدلة المتكفلة لوجوب الصلوات الخمس في كل يوم وليلة ، فان المنسبق منها هو اليوم الذي يكون جزءاً من السنة ، والذي قد يكون نهاره أطول من ليله ، وقد يكون أقصر ، وقد يتساويان ، وربما يكون التساوي في تمام السنة كما في المدن الواقعة على خط الاستواء .

در آخر دیدگاهش را جمع بندی نمود و در نهایت قائل به احتیاط شد و فرمود : « فالصحيح ما عرف من عدم جواز السكنى في هذه البلاد اختياراً ومع الاضطرار يسقط الاداء وينتقل الامر إلى القضاء وان كان الاحتياط بالجمع بينه وبين الاتيان بالصلوات الخمس في كل أربع وعشرين ساعة مما لا ينبغي تركه . (كتاب الصوم ، ج 2 ، ص 143 - تقریر دروس خارج فقه آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خویی توسط شیخ مرتضی بروجردی -)

ج - دیدگاه فقهی آیت الله سیستانی :

آیت الله سید علی سیستانی (از مراجع عظام تقلید مقيم نجف اشرف) از جمله مجتهدانی است که قول به تفصیل را برگزیده ، یعنی تفصیل بین نماز و روزه. وی برای انجام نماز در قطب و مناطق نزدیک به آن که قسمتی از سال کلا شب و قسمتی از سال کلا روز می باشند ، اقرب الاماکن را ملاک قرار داده و برای روزه حکم هجرت به اماکنی داد که امکان روزه گرفتن در آن باشد. اما در خصوص ماه مبارک رمضان معتقد است که اگر امکان روزه نیست ، بجایش کفاره دهد. وی در این باره فرمود: **إذا فرض كون المكلف في مكان نهاره ستة أشهر و ليله ستة أشهر مثلا فالاحوط له في الصلاة ملاحظة أقرب الاماکن التي لها ليل ونهار في كل أربع وعشرين ساعة ، فيصلی الخمس على حسب أوقاتها بنية القرية المطلقة ، وأما في الصوم فيجب عليه الانتقال إلى بلد يتمكن فيه من الصيام ، أما في شهر رمضان أو من بعده ، وإن لم يتمكن من ذلك فعليه الفدية بدل الصوم.**

اما اگر در مناطقی باشد که شب و روز در آن صدق کند ، اگرچه به یک ساعت باشد ، در آن صورت اوقات نماز به حسب اوقات همان مکان خواهد بود نه اقرب الاماکن. اما روزه حکمش این است که اگر قادر به اتجامش باشد، واجب است آن را انجام دهد ولی اگر خارج از توان وی باشد (مثلا مقدار روشنایی روز 22 ساعت باشد) حکم روزه ساقط است و اگر در زمانی تمکن پیدا کرد ، قضایش را انجام دهد و اگر برایش ممکن نشد ، کفاره اش را بپردازد.

آیت الله سیستانی در این باره فرمود : **وأما إذا كان في بلد له في كل أربع وعشرين ساعة ليل ونهار - وإن كان نهاره ثلاث وعشرين ساعة و ليلة ساعة أو العكس - فحكم الصلاة يدور مدار الاوقات الخاصة فيه . وأما صوم شهر رمضان فيجب عليه أداءه مع التمکن منه و يسقط مع عدم التمکن ، فإن تمکن من قضاؤه وجب ، وإلا فعليه الفدية بدله . (منهاج الصالحين - السيد علی السیستانی - ج 1، ص 467)**

منابع فقهی مورد بحث :

آن مقداری که حقیر منابع فقهی موجود را مورد بررسی قرار دادم ، این موضوع در کتاب های معروف گذشته چون : شرائع الاسلام ، اللمعة الدمشقية ، شرح اللمعة ، غاية المراد ، حاشية الارشاد ، جواهر الکلام ، مختلف الشیعة وامثال آن ها مورد بحث قرار نگرفته ولیکن در کتب متأخرین مانند : العروة الوثقی (آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی) ، مستمسک العروة (آیت الله حکیم) ، تحریر الوسيلة (امام خمینی) ، منهاج الصالحین (آیت الله خوبی) ، کتاب الصوم (شیخ مرتضی بروجردی از دروس آیت الله خوبی) ، منهاج الصالحین (آیت الله سیستانی) ، اوقات الصلوة (آیت الله صافی گلپایگانی) و المسائل المستحدثة (آیت الله سید صادق روحانی) مورد بحث قرار گرفته و در برخی از آن ها به تفصیل در این باره سخن گفته شده است.